

نوع مقاله:
پژوهشی

10.22052/HSL.2022.245994.0

تحلیلی بر نوشتار سیاحان غربی درباره فرس ایران در اواخر آق قویونلو و دوره صفویه*

علی وندشعاری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

چکیده

دوره صفوی به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین دوره‌های تاریخی ایران محسوب شده و نوشته‌های زیادی نیز در شناخت تحولات اجتماعی، فرهنگی و هنری این دوره وجود دارد. دانش نظری در مورد فرس ایران در دوره‌های تاریخی، نیاز به بررسی اسناد تاریخی داشته و در این خصوص بررسی سفرنامه‌های نوشته‌شده در دوره صفویان می‌تواند بخشی از اطلاعات فرس ایران را کامل نماید. مسئله اصلی نیز چرایی و چگونگی حضور اطلاعات فرس در بین سفرنامه‌ها و چگونگی طرح موضوعات مرتبط با فرس ایران است. سؤال اصلی عبارت است از: تنوع بافته‌ها چگونه است؟ بررسی جغرافیای بافت در دوران صفویه، کارکردها و جنس و ابعاد قالی‌ها چگونه است؟ هدف اصلی شناسایی نگرش سیاحان غربی و موضوعات منعکس شده فرس بافی در عصر صفوی در متن‌های سفرنامه‌هاست. نوع تحقیق کیفی است. روش تحقیق توصیفی تاریخی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای-اسنادی است. نمونه آماری در راستای انجام این پژوهش، ۲۴ سفرنامه را مورد بررسی قرار داده که به متن ۲۱ سفرنامه که به موضوعات فرس اشاره شده، در این مقاله استناد شده است. نتایج نشان می‌دهد فرس دارای کارکردهای متنوع و نیز دارای کاربری‌های متفاوت در این دوره بوده و اطلاعات زیادی بر اساس متن سفرنامه‌ها می‌توان به دست آورد؛ اما موضوع بسیار مهم در این است که به‌رغم دریافت اطلاعات تخصصی همانند جنس مواد اولیه، تنوع بافته‌ها، محل قرارگیری، جغرافیای بافت و... که در سفرنامه‌ها منعکس شده و نویسندگان غربی، قالی را همواره در یادداشت‌های خود مدنظر داشته‌اند، ولی به ویژگی‌های هنری مانند طرح و نقش و حتی رنگ و جنبه‌های زیباشناسانه اشاره‌ای نکرده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

دوره صفوی، سفرنامه، دست‌بافته، قالی، فرس.

صنایع
هنرهای ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنعتی ایران

سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۷

پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۷۵

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی انجام‌یافته با عنوان «مستندنگاری موضوعات فرس بر اساس سفرنامه‌های سیاحان غربی دوره صفوی» توسط نویسنده مقاله در دانشگاه هنر اسلامی تبریز است.

** دانشیار دانشکده فرس، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران / a.vandshoari@tabriziau.ac.ir

۱. مقدمه

دوره صفوی به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین دوره‌های تاریخی ایران محسوب شده و نوشته‌های زیادی نیز در شناخت تحولات اجتماعی، فرهنگی و هنری این دوره وجود دارد. در این دوره بین کشورهای اروپایی از اقتدار دولت عثمانی، زمینه برای اهداف دولت صفوی فراهم شد و این سلسله توانست هم از تسلط عثمانی بر ممالک اطراف که بزرگ‌ترین آن‌ها ایران بود جلوگیری کند و هم اقتدار دوران گذشته این سرزمین را تجدید نماید. کشورهای اروپایی که در ممانعت از توسعه قدرت عثمانی با ایرانیان هم‌جهت بودند، مراوده خود را با ایران توسعه بخشیدند و طبعاً آمدوشد فرستادگان و نمایندگان اروپایی ایران موجب تسهیل روابط ایران با ممالک آن قاره شد.

نخستین و مهم‌ترین مسافران اروپایی که راهی ایران شدند، سفیران و نمایندگان دولت‌های اروپایی بودند که در حین انجام وظایف خود، شروع به نوشتن خاطرات سفر و هر آنچه می‌دیدند کردند. با توجه به اهمیت قالی ایران و هنری که غربی‌ها آن را با فرهنگ شرق و به‌ویژه قالی‌های ایران و عثمانی شناخته بودند، اطلاعات مهمی نیز از قالی‌های ایران، مانند بافت، مواد مصرفی، ویژگی‌های فنی و حتی کارکردهای مختلف آن، در سفرنامه‌ها منعکس شده است. عمدتاً شناختی که غربی‌ها از قالی ایران در طول تاریخ داشته‌اند نسبتاً جدید بوده و قالی ایران ابتدا با کارکرد هدایای سیاسی مطرح شده و به‌عنوان یک محصول فاخر و باارزش از طرف شاهان ایرانی برای پادشاهان غربی یا افراد سلطنتی ارائه شده است؛ به همین دلیل و به‌سبب خاص بودن قالی ایران، اکثر سفرنامه‌نویسان غربی که وارد خاک ایران می‌شدند، فرش را در موضوعات نوشتاری و ثبتی خود قرار داده‌اند. در حالت کلی و با توجه به تاریخ فرش ایران، دوره صفوی را شاید اوج بافت قالی‌های درباری و نفیس ایران بتوان شمرد، که علاوه بر جنبه‌های فرهنگی و هنری این محصول، می‌توان به کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن نیز اشاره کرد.

در این دوره کتابخانه سلطنتی صفویان وظیفه هدایت و رهبری سبک هنری را در اختیار داشته و همواره ریاست کتابخانه سلطنتی در دست یک هنرمند صاحب‌نام بوده (اوابل حکومت صفویان)، همانند بهزاد یا سلطان محمد بوده است. این هنرمندان با طراحی الگوی سنتی مورد قبول دربار، ارائه‌دهنده یک سبک و ویژگی مشخص در آثار هنری بوده‌اند؛ به همین دلیل است که هنرهای دوره‌های مختلف از همدیگر قابل تشخیص هستند و طرح و نقش فرش ایران نیز همانند دیگر آثار هنری از یک الگوی مشخص هنری در این دوره بهره برده است، تا آنجا که عمدتاً قالی‌های بزرگ‌پارچه با ترنج‌های بزرگ مرکزی و نقش‌مایه‌های متنوع جانوری و گیاهی در دوره‌های اول حکومت صفویان (مکتب هنری دو تبریز) و قالی‌های کوچک پارچه با طرح‌های ساده‌تر و به‌کارگیری نقش‌مایه‌های عمدتاً اسلیمی و ختایی و به‌کارگیری مواد مصرفی طلا و نقره (گلابتون) در دوره‌های متأخر حکومت صفویان بیشتر بافته شده‌اند. متون غربی‌ها نشان می‌دهد که در مواجهه با این هنر، به‌سادگی از موضوع فرش عبور نکرده و همواره اطلاعات بعضاً دقیق در خصوص قالی‌بافی را در نوشته‌های خودشان متذکر شده‌اند. مسئله اصلی این تحقیق نحوه برخورد سیاحان غربی با دست‌بافته هنری تجاری به نام قالی و نیز چگونگی برداشت‌های آن‌ها از این موضوع است و سؤال اصلی این تحقیق در راستای پاسخ‌دهی به این موضوع است که بر اساس متن سفرنامه‌ها، چه اطلاعات فنی، فرهنگی و... در خصوص فرش ایران می‌توان یافت؟ به‌طور مشخص نگاه غربیان به قالی ایران همانند ایرانیان نبوده و بعضاً مواردی مورد بحث و دقت قرار می‌گیرند که برای ما بدیهی بوده یا از زاویه دید ایرانیان که بر روی فرش متولد می‌شوند، زندگی نموده و مرگ را تجربه می‌کنند، به‌دور مانده است.

۱-۱. روش تحقیق

نوع تحقیق کیفی و بنیادی بوده و روش تحقیق، توصیفی-تاریخی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای-اسنادی است. نمونه‌های آماری بررسی شده شامل ۲۴ سفرنامه است که از بین آن‌ها با توجه به محتوای آن‌ها و داشتن موضوع فرش ۲۱ سفرنامه از دوره صفوی و به‌منظور پیوستگی مطالب و مشخص شدن مسیر اطلاعات، ۳ نمونه نیز از اواخر حکومت ترکمانان انتخاب شدند؛ تحقیق بر اساس زمان حضور نویسنده سیاح در دوره‌های پادشاهی ایران و موضوعات مرتبط با فرش در نوشته‌های سیاحان، بررسی و سپس طبقه‌بندی تنوع انواع بافته‌ها برحسب هر سفرنامه، جغرافیای انواع بافته‌ها، محل‌های قرارگیری فرش‌ها، نوع کاربرد، ابعاد و اندازه و جنس ارائه شده است. به‌شکل کلی مستندنگاری شیوه‌ای مهم در جمع‌آوری اطلاعات اولیه هر بحث تاریخی است و در این شیوه اطلاعات پایه در هر موضوع به‌دقت جمع‌آوری شده و سپس به شیوه‌های تعیین شده تحلیل انجام می‌گیرد. در این پژوهش هدف از مستندنگاری، دستیابی به متن اصلی ترجمه‌شده سفرنامه‌ها مدنظر بوده تا چگونگی برخورد نویسندگان غربی با موضوع فرش و قالی مشخص‌تر شده و محتوایی به دانش نظری فرش افزوده شود. در این پژوهش

اطلاعات به دست آمده بسیار جزئی و با خوانش دقیق و سطر به سطر متن‌ها همراه بوده است. در این راستا برای ورود به مباحث بیان شده ابتدا فرش بافی ایران در دوره صفویان و سپس جزئیات و معرفی جامعه آماری سفرنامه‌های مورداستفاده در متن مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۲-۱. پیشینه تحقیق

بررسی منابع مکتوب و مستند انتشار یافته نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی مستقل درباره مطالعه وضعیت فرش بافی ایران در سفرنامه‌های این دوره انجام نشده است؛ اما در پاره‌ای از موارد برخی منابع مکتوب قسمت‌هایی از متن خود را به این مطالب اختصاص داده‌اند؛ برای نمونه در کتاب تاریخ و هنر فرش بافی در ایران (بر اساس دایرةالمعارف ایرانیکا) احسان یارشاطر در ترجمه بخش صفوی این کتاب و نوشته‌های دنیل واکر، به شکل کلی عنوان می‌کند که قالی‌های به جامانده از دوران صفوی مؤید مطالبی است که در سفرنامه‌های آن زمان توسط غربی‌ها نگاشته شده و در بخش پی‌نوشت فصل به سفرنامه‌های جهانگرد ونیزی جوزوفا باربارو، کروزیسکی، تاورنیه، آدم‌ال‌ناریوس، شاردن و... اشاره می‌کند. در بررسی مقالات مرتبط در روش‌شناسی و نحوه کار می‌توان به موارد اندکی اشاره کرد؛ از جمله: اشعاری و مظاهری (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی گونه‌ها، شیوه‌ها و جغرافیای تولید فرش ایران در پنج قرن اولیه هجری با تکیه بر منابع مکتوب» با هدف شناسایی وضعیت فرش بافی ایران در پنج قرن اولیه هجری به لحاظ تنوع گونه‌های فرش دست‌باف و نیز جغرافیای مناطق تولید، به منابع مکتوب (تاریخی و ادبی) پرداخته‌اند. به‌رغم کمبود آثار مرتبط با فرش دست‌باف در دوره مذکور، اسامی بسیاری از فرش‌های تولید معاصر مانند قالی، گلیم، پلاس، نمد، حصیر و زیلو در منابع مکتوب بررسی شده این پژوهش قابل ردیابی است. موسوی دالینی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی؛ بررسی موردی: سفرنامه پیترو دل‌واله» به آداب‌ورسوم، عقاید و سنن بومی ایران قرن یازدهم هجری دوره صفویه به خصوص دوره شاه‌عباس، از نگاه یک سیاح اروپایی پرداخته و ضمن معرفی جنبه‌هایی از گذشته فرهنگی ایران زمین، به بیان شرایط اجتماعی دوران اقتدار صفویان، نگاهی به لایه‌های زیرین اجتماع داشته و شاخصه‌های فرهنگی آن را نمایان ساخته‌اند. مجتبی خلیفه (۱۳۷۹) با مقاله «ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپایی» به اوضاع داخلی ایران، وضعیت اجتماعی، مالی و تجاری و نظامی پرداخته است. شکوه السادات اعرابی هاشمی (۱۳۷۸) در مقاله «اصفهان عصر صفوی به روایت سفرنامه‌های اروپاییان» به وضعیت سیاسی، اجتماعی شهر اصفهان بر اساس نقاشی‌ها و یادداشت‌های سفرنامه‌نویسان پرداخته است. علی جعفرپور و مهرداد نوری (۱۳۸۵) با مقاله «وضعیت پوشاک زنان در عصر صفوی با تکیه بر سفرنامه‌نویسان غربی»، موضوع پوشاک را بر اساس نوشته‌های سفرنامه‌نویسان مطرح کرده و لباس زنانه آن زمان را بر اساس نوع، منطقه جغرافیایی و... طبقه‌بندی می‌کنند. نکته مهم به‌رغم داشتن متن‌های مربوط به قالی و زیراندازها در متن سفرنامه‌ها، بررسی نکردن این موضوع توسط پژوهشگران است.

۲. ویژگی‌های مهم تاریخ قالی بافی صفویان

شکل‌گیری پادشاهی صفوی به سال‌های ۱۵۲۹-۱۵۰۷ق (۱۵۰۱-۱۷۳۹ م) به‌عنوان سلسله ملی از بسیاری جهت‌ها در تاریخ ایران دارای اهمیت است. تشکیل دولتی مقتدر و مستقل، ایجاد دیپلماسی پایدار با دنیای غرب، رسمی شدن آیین تشیع، پاسداری از فرهنگ و هویت ملی به‌ویژه هنر ایرانی، گسترش و شکوفایی زمینه‌های مختلف هنری مستطرفه و کاربردی، از اقدامات شاخص در این عصر است. هنردوستی و حمایت‌های پادشاهی این سلسله موجب ایجاد تأثیرات چشمگیری در رخس هنری این دوره شد که در این میان می‌توان به شکوفایی هنر ارزنده قالی بافی اشاره کرد که در اصول زیبایی‌شناختی و پابندی به سنت‌های کهن طرح و نقش در جایگاه بالایی قرار دارد. همان‌طور که یارشاطر در تألیف خود در این راستا بیان نموده، این امر نتیجه فراهم آمدن استثنایی عوامل بسیاری چون حمایت دربار، نفوذ طراحان دربار در تمام سطوح خلق آثار هنری، پذیرش فرش به‌عنوان کالای تجاری به‌خصوص در بازارهای خارجی است (یارشاطر ۱۳۸۴، ۷۴-۷۵). از همین رو سیوری آورده است که «اگرچه قالی بافی در ایران ریشه قدیمی دارد، این صفویان بودند که آن را از سطح یک صناعت روستایی به فعالیتی در سطح کشور ارتقا دادند و به‌صورت بخش مهمی از اقتصاد یک کشور درآوردند» (سیوری ۱۳۸۵، ۱۳۲). حمایت‌های درباری از سوی شاهان صفوی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های تأثیرگذار در رشد این اثر هنری مطرح می‌شده است: «شاهان صفوی که بعضاً همچون شاه‌اسماعیل و شاه‌تیماسب، خود در برخی

از هنرها مهارتی داشتند، [به‌گواهی تاریخ، شاه‌تهماسب خود نقاش و طراح قالی بود] سعی زیادی در رشد و شکوفایی هنرها و به‌ویژه قالی و معماری و هنر نساجی و هنرهای وابسته داشته‌اند و این امر را به‌عنوان مکمل فرایند تقویت و قدرت نفوذ خود در داخل و خارج مورد توجه قرار دادند» (افروغ و نوروزی طلب ۱۳۸۹، ۱۲).

همچنین در این عصر سبک زندگی درباری و فضای مناسبات سیاسی با سایر کشورها، سهم ارزنده‌ای در معرفی قالی ایران داشته است. این حرکت از دوران شاه‌تهماسب که حکومتی طولانی داشت، آغاز شد. در این دوره با اهدای قالی‌های نفیس ایرانی به سلاطین همسایه توسط شاه‌تهماسب، موجبات معرفی قالی ایران به دیگر کشورها فراهم شد (فریه ۱۳۷۴، ۱۳۷). در سایر دوره‌های پادشاهی صفوی نیز مانند شاه‌عباس، ورود قالی ایرانی به‌عنوان یک محصول فرهنگی پایدار و اقتصادی در بازارهای تجارت جهانی شکل گرفته است. از این‌رو مطرح شدن فرش بافی ایران طی مناسبات سیاسی و تجاری از جمله عوامل شاخصی هستند که در عصر صفوی پدید آمده است. بررسی سایر مطالب فرش بافی در این دوره را می‌توان در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی که طی مناسبات و روابط دیپلماسی با سلسله صفوی طی مأموریت‌هایی با موضوعات متفاوت به ایران اعزام شده بودند پیگیری کرد.

۳. معرفی و بررسی سفرنامه‌های دوران پادشاهی صفویان

باید توجه داشت که روابط سیاسی و فرهنگی با کشورهای اروپایی در دوره صفویه زمینه حضور گروهی از سیاحان را به ایران فراهم کرد و از این‌رو سفرنامه‌های این عصر به‌عنوان یکی از بهترین منابع در بررسی تاریخ، فرهنگ، هنر و سیاست صفویان محسوب می‌شوند. پوپ در این خصوص، سبک زندگی درباری را مؤثر دانسته و بیان کرده است که «قالی‌های ایرانی در تجملات زندگی درباری سهم بسزایی داشته‌اند و به همین ملاحظه در چشم فرستادگان و جهان‌گردان خارجی از جاذبه فراوان برخوردار بودند» (پوپ ۱۳۸۷، ۲۶۰۷). در این راستا بررسی مطالب و گزارش‌های سیاحان در سفرنامه‌ها می‌تواند از منابع مهم مطالعه قالی‌های عصر صفوی مطرح شود. در جدول ۱، سفرنامه‌های مورد بررسی و ملیت نویسندگان مشخص شده است. در این راستا کریمی بیان می‌کند: «بر اساس منابع و مدارک تاریخی، بی‌تردید دوره صفویه نخستین عصری است که زمینه‌های یک دیپلماسی منظم و پایدار بین ایران و کشورهای اروپایی ایجاد شده است» (کریمی ۱۳۹۲، ۱۲۸). از این‌رو مناسبات سیاسی ایران دوره صفویه و اروپا به دلایل گوناگونی بین دو کشور صورت پذیرفته است که به‌دنبال آن سیاحان بسیاری به ایران آمدند. هدف مستشارانی که به ایران آمده‌اند خواه به دلایل سیاسی باشد یا غیرسیاسی، توجه به حوزه فرهنگی و هنری ایران که به‌عنوان یکی از شاخصه‌های جدایی‌ناپذیر از دربار مطرح می‌شده است باعث شده سیاحان در خلال اهداف خود، از اطلاعات این حوزه در بازنمایی جامعه عصر صفوی فراوان سخن گویند و به‌نوعی معرف هنر ایران در سرزمین خودشان باشند. تحلیل و تبیین اطلاعات فرش دست‌باف به‌عنوان یکی از شاخصه‌های فرهنگی و هنری ایران در سفرنامه‌های هریک از سیاحان عصر صفوی، می‌تواند در بردارنده اطلاعات سودمندی در این حوزه باشد.

جدول ۱: سفرنامه‌های مطالعه‌شده و ملیت نویسندگان آن‌ها (پژوهشگر)

عنوان سفرنامه‌ها	کشورهای فرستادگان سیاحان غربی	عنوان سفرنامه‌ها	کشورهای فرستادگان سیاحان غربی
سفرنامه آمبرسیو کنتارینی، سفرنامه جوزا باربارا، سفرنامه کاترینو زنو، سفرنامه جوان ماریا آنجولو، سفرنامه بازگانان ونیزی در ایران، سفرنامه وینچنتو دالساندری، سفرنامه پیترو دلاواله، سفرنامه کارری	ایتالیا	سیاحت‌نامه شاردن، سفرنامه آندره دولیه دلد، سفرنامه سانسون، سفرنامه سفیر زیبا، سفرنامه ژان باتیست تاورنیه	فرانسه
سفرنامه برادران شرلی، سفرنامه استودارت	انگلیس	سفرنامه سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی	لهستان
سفرنامه بان اسمیت	هلند	گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی	پرتغال
سفرنامه دن گارسیا	اسپانیا	فدت آفاناس یویچ کاتف	روسیه
سفرنامه ایتروپرسیکوم، سفرنامه آدام التاریوس، سفرنامه کمپفر	آلمان	-	-

۴. طبقه‌بندی سفرنامه‌ها بر اساس دوره تاریخی و موضوعات سیاحان

حضور سیاحان غربی در هریک از دوره‌های پادشاهی صفویان از لحاظ دوره سلطنت می‌تواند در روند مطالعات سفرنامه‌های این دوره مورد توجه قرار گیرد. نهاد سلطنت در دولت مقتدر و دارای ایدئولوژی تمایزبخش صفویه که در شخص پادشاه نمود داشت، یکی از کانون‌های توجه سفرنامه‌نویسان خارجی آن روزگار است. پادشاه به‌عنوان صاحب اقتدار، کانون و نشانه مرکزی گفتمان سیاسی اجتماعی عصر صفوی است که در سایه این نهاد، مرزهای هویت‌سازانه در سطوح گوناگون فردی، محلی و ملی شناسایی می‌شد (رضایی‌پناه و شوکتی‌مقرب ۱۳۹۵، ۱۲۱). از این رو طی بررسی‌های صورت‌پذیرفته در روند مطالعات سفرنامه‌های این عهد که در تصویر ۱ دیده می‌شود، حاکی از آن است که تعداد حضور سیاحان و تدوین سفرنامه‌ها در دوره شاه‌عباس بزرگ و سپس شاه‌سلیمان اول بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. در سایر دوره‌ها مانند پادشاهی شاه سلطان‌حسین و اوزون حسن در اوایل عصر صفوی پادشاهی شاه‌اسماعیل، شاه‌عباس دوم، شاه‌اسماعیل، شاه‌صفی اول و در آخر شاه‌تهماسپ به‌ترتیب دارای کمترین تعداد سفرنامه بوده‌اند. از سویی دیگر موضوعات مورد بررسی در سفرنامه‌های سیاحان دوره صفویه شامل حوزه‌های متفاوتی از جمله اوضاع اجتماعی و فرهنگی (مذهب، پوشاک، خوراک، آداب و سنن، تقریحات و مشاغل)، مسائل مختلف سیاسی، تاریخ و جغرافیای ایران، امور اداری و نظامی، صنعت، تجارت، دانش و هنرهای ایران، معماری و بناهای تاریخی بوده است.

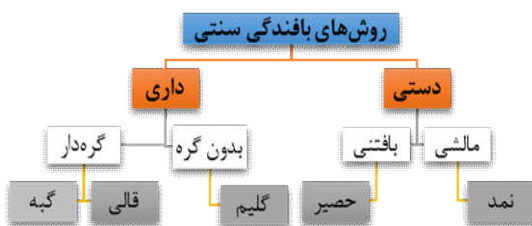
نکته قابل توجه اینکه سفرنامه تاورنیه شرح سفرهای وی در دوره‌های پادشاهی شاه‌صفی اول، شاه‌عباس دوم و شاه‌سلیمان اول بوده و سفرنامه شاردن نیز شرح سفرهای وی در دوره‌های پادشاهی شاه‌عباس دوم و شاه‌سلیمان اول است.



تصویر ۱: پراکندگی تاریخی جامعه آماری تحقیق مطابق با دوره‌های پادشاهی (پژوهشگر)

۵. طبقه‌بندی تنوع انواع بافته‌ها از جامعه آماری تحقیق

طی بررسی‌های صورت‌پذیرفته مطابق جامعه آماری تحقیق، تنوع تولیدات در این دوره با توجه به روش‌های بافندگی سنتی مطابق تصویر (۲) به دو دسته دستی^۲ (بدون دار) و داری^۳ تقسیم شده است. لازم به ذکر است که هرچند هر دو شیوه تولیدات در دوره صفویه با دست انجام می‌گرفته، دلیل جداسازی در به‌کارگیری یا به‌کارنگیری دار قالی بوده و طبقه‌بندی بر این اساس شکل گرفته است. از این میان تولیداتی مانند نمد^۴، حصیر^۵، گلیم^۶، قالی^۷ و فرش از موارد ذکر شده در سفرنامه‌ها محسوب می‌شوند. نکته حائز اهمیت در این قسمت واژه فرش است که در سفرنامه‌های سیاحان به‌کارگیری فرش^۸ به تناسب و مفهوم قالی و به‌عنوان دست‌بافته مطرح شده است. از این رو در طبقه‌بندی روش‌های بافندگی سنتی جزو تولیدات داری و از نوع تاروپود و گره‌ای می‌باشد.



تصویر ۲: تنوع روش‌های بافندگی بر اساس متن سفرنامه‌ها (پژوهشگر)

در متن هریک از سفرنامه‌ها به موارد مختلفی از این بافته‌ها اشاره شده که در جدول ۲ تمامی این موارد ذکر شده است. مطالعات نشان می‌دهد که از میان ۲۱ سفرنامه مورد بررسی به‌جز کاترینو زنو، و ماریا آنجوللو، در سایر منابع، سیاحان از جمله دالساندری، دن گارسیا، شاردن و کمپفر، به انواع بافته‌های نمد، حصیر، گلیم، قالی و فرش اشاره کرده‌اند و تعداد مطرح نمودن اسامی مانند قالی و فرش در سفرنامه‌ها بیشتر از حصیر، نمد و گلیم است. در این خصوص استفاده از حصیر به‌عنوان گسترده‌ترین بسیار ابتدایی و نیز گلیم، در سبک زندگی ایرانیان برای مصارف معمولی و ساده بوده است، همان گونه که در برخی سفرنامه‌ها به آن‌ها اشاره شده است. نمونه‌هایی از متن‌ها عبارت‌اند از: «... همه روی زمین

می‌خوانند و کسانی که نام و نشانی دارند تشکی روی فرش می‌اندازند و دیگران روی گلیمی ساده می‌خسبند» (دالساندری ۱۳۶۴، ۸۷). یا اینکه «... سفیر پس از ورود بدین کاروانسرا یک ضلع بنا را از داخل با فرش یا حصیر از سایر قسمت‌ها جدا کرد و...» (سیلوا فیگوندرا ۱۳۶۳: ۷۳) «این فروشندگان نخست حصیر یا پاره فرشی روی زمین بساط پهن می‌کنند،... و متاع یا ابزار حرفه‌خویش را روی حصیر یا فرشی که روی زمین گسترده‌اند پهن می‌کنند» (شاردن ۱۳۷۴، ۱۴۲۸). «فرشخانه بیش از اندازه بزرگ و مفصل است زیرا در حجره‌های مختلف آنجا نه تنها انواع فرش‌ها و حصیرها برای پوشش کف اتاق‌ها نگهداری می‌شود...» (کمپفر ۱۳۵۰، ۱۴۹) یا «... صاحبان میهمان‌خانه‌ها با حصیر و قالی فرش کرده‌اند. در روی این فرش‌ها مردم بیکار و فارغ‌البال می‌نشینند» (همان، ۱۹۵). «آنگاه مفرش دارها با قالی‌ها، حصیرها و بالش‌ها فرامی‌رسند تا در اردو کردن بین راه از آن‌ها استفاده کنند» (همان، ۲۳۹). اما از آنجا که سادگی و بی‌آلایش بودن مکان نمازگزار برای انجام یکی از مهم‌ترین عمل‌عبادی در دین اسلام حائز اهمیت می‌باشد، کمپفر در قسمتی از سفرنامه خود به توصیف مساجد ایران پرداخته و به استفاده از حصیر برای قسمت مخصوص نماز گزاردن اشاره کرده است. «سراسر داخل شبستان یا قسمتی را که مخصوص گزاردن نماز است با حصیر و قالی فرش کرده‌اند» (همان، ۱۳۱). نمد نیز به‌عنوان یکی از قدیم‌ترین بافته‌های بدون پرز از جمله تولیداتی است که برای پوشاندن سطوح به کار می‌رود و زیراندازی مناسب به‌عنوان عایق در برابر سرما، گرما و رطوبت است. از این‌رو شاردن و کمپفر در سفرنامه خود به کاربرد نمد در سبک زندگی ایرانیان عصر صفوی این‌گونه اشاره کرده است: «ایرانی‌ها اتاق‌های خود را نخست با **نمدهای** ضخیم فرش می‌کنند، ورودی آن یک و اگر اتاق بزرگ باشد دو قالی پهن می‌کنند» (شاردن ۱۳۷۴، ۱۸۱۲). «همچنین رو و زیر قالی‌های اتاق‌های خود را **نمد** می‌گسترانند تا هم قالی از رطوبت مصون بماند، هم روی فرش برای نشستن نرم‌تر باشد» (همان، ۸۹۷). یا «در میهمانی‌ها ایرانیان بر روی صندلی و پشت میزهای پایه بلند نمی‌نشینند، بلکه روی قالی و **نمد**... قرار می‌گیرند...» (کمپفر ۱۳۵۰، ۲۴۲). «من یکی از آن‌ها را که مزین به انواع وسایل و اوانی و اثاثیه مناسب خوش‌گذرانی بود دیده‌ام، نالی‌ها روی فرش‌های گران‌بهای گسترده شده که زیر آن‌ها به‌منظور حفاظتشان **نمدهای** ضخیمی گسترده‌اند» (شاردن ۱۳۷۴، ۱۴۵۴). با مطالعات صورت‌پذیرفته کاربرد نمدهای ساده در سبک زندگی مردم خارج از دربار نیز رواج داشته و استفاده از نمدهای قیمتی در دربار پادشاهی و ارزش برخی از تولیدات نمد در عصر صفوی، مطلبی است که در سفرنامه کمپفر این‌گونه اشاره شده است: «... فرش‌ها و **نمدهای** قیمتی که همه‌جا گسترده شده، سوزن‌دوزی‌ها، دیوارهایی که آن‌ها را با طلا آراسته‌اند، تاج پرشکوه و چشمگیر شاه، طنین نام‌نوس سازها و...» (کمپفر ۱۳۵۰، ۲۴۱).

جدول ۲: طبقه‌بندی تنوع انواع بافته‌ها بر مبنای مستندات سفرنامه‌های بررسی شده (پژوهشگر)

عنوان سفرنامه	انواع بافته‌های ذکر شده	عنوان سفرنامه	انواع بافته‌های ذکر شده
آمبرسیو کنتارینی	قالی	یان اسمیت	قالی، فرش
جوزافا باربارا	قالی، فرش	تاورنیه	قالی، فرش
کاترینو زنو	-	ترجمه احمد بهپور	قالی
		سرزمین تزارهای مخوف	قالی، فرش
جووان ماریا آنجوللو	-	جلد اول	قالی
		جلد دوم	نمد، قالی، فرش
		جلد سوم	قالی، فرش
		جلد چهارم	نمد، حصیر، قالی، فرش
بازرگانان ونیزی در ایران	فرش	آندره دولیه دلند	فرش
وینچنتو دالساندری	گلیم، فرش	سانسون	قالی
برادران شلی	قالی، فرش	کمپفر	نمد، حصیر، قالی، فرش
ایترپرسیکوم	-	کارری	قالی، فرش
سفرنامه دن گارسیا	حصیر، قالی، فرش	گزارش سفیر کشور پرتغال	قالی، فرش
پیترو دلاواله	قالی، فرش	سفیر زیبا	قالی، فرش
کاتف	قالی، فرش	سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی	فرش
استودارت	فرش		

۶. محل به کارگیری و جغرافیای مرتبط با قالی‌ها بر اساس متن سفرنامه‌ها

طی مطالعات حاصل از سفرنامه‌های این عصر، یکی از موارد شاخص در این میان بررسی مناطق جغرافیایی ذکرشده در هریک از دوره‌های پادشاهی است. از این رو در این قسمت برای بررسی مناطق جغرافیایی در سفرنامه‌ها مطالب را در قالب چهار موضوع با عناوین دربار، مناطق مذهبی، مناطق بافندگی، کارگاه‌های بافندگی درباری و مقابر بررسی می‌کنیم.

نمونه توصیف‌های قالی در یک مکان حکومتی یا مکان خاص
«... بعد از آن به من و سایر بزرگان کشورش اجازه نشستن داد، ... و ما به رسم ایرانی‌ها بر روی قالی‌ها نشستیم...» (کنتارینی ۱۳۴۹، ۳۹). اصفهان، دیدار سفیر با شاه در کاخ سلطنتی
«در وسط، حوض خانه‌ای بود کوچک و پیوسته پر از آب بود و شاه در مدخل آن روی بالشی زربفت نشسته ... در سرپایای سراچه فرش گسترده و مهم‌ترین شاهزادگان گرداگرد نشسته بودند» (باربارو ۱۳۴۹، ۶۳). توصیف کاخ اوژون حسن در تبریز
«... از دیوارها پارچه‌های زردوزی ممتاز آویخته بود و زمین از قالی‌های بسیار خوب فرش بود» (شرلی ۱۳۷۸، ۴۷). عمارت پادشاه، دیدار سرآنتوان با حاکم قزوین «قالی‌های قشنگ انداخته و هر طرف را با طلا و نقره و ابریشم مزین ساخته‌اند و صندلی پادشاه را در وسط آن قرار داده‌اند» (همان، ۵۶). دیدار شاه با یکی از افراد سر آنتوان، تالار قصری در قزوین «... به تالار بسیار درازی که با اثاث البیت قدیمی و قالی‌های سنگین و ظروف گران‌بها مزین و آراسته بود و رقص‌های زنانه و ساقی‌ها در آن‌ها بودند ما را داخل کردند و زمین را با قالی‌های قیمتی فرش کرده بودند» (همان، ۱۲۱). شیراز- تالار والی حاکم شیراز «نشیمن او قدری بالاتر واقع شده زیرا که بر روی قالی دو سه تشک از ابریشم سفید انداخته بودند» (همان، ۱۲۷). نشیمن شاه تالار اصفهان
«... از دو اتاق پر نقش و نگار و زیبا که در کفشان فرش گسترده بودند گذشتیم و به تالاری نسبتاً بزرگ وارد شدیم... کف این تالار نیز با قالی‌های گران‌بهای کرمان مفروش گردیده بود» (سیلوا فیگوندرا ۱۳۶۳، ۱۶۳) و سلطان شیراز، یک ماه بعد از ورود سفیر، به شیراز آمد. «... محل پذیرایی یکی از همین رواق‌ها بود که کف آن با بهترین قالی‌ها مفروش بود» (همان، ۲۲۷). اصفهان، پذیرایی از سفیر در رواقی در دژ توسط حاکمان شهر «زن که بیوه بود ... کار اصلی‌اش قالی‌بافی و مشاطگی بود و علاوه بر دو دار قالی که در خانه داشت، تازه‌روسران را آرایش می‌کرد» (همان، ۲۵۱). اقامت سفیر در قم «چون رفته‌رفته شب فرامی‌رسید در فاصله ده دوازده پایی پیرامون استخر و نزدیک دفتر گروهی مرد بر قالی‌هایی نشسته بودند ...» (همان، ۲۶۹). ورود شاه به دفتر کار کوچکش در قزوین «شاه ... سپس بر قالی که در یکی از راهروهای پائین عمارت یافت نشست ...» (همان، ۳۲۵). بازگشت سفیر در راه کاشان و ورود شاه به کاشان و بدون اطلاع به خانه سفیر رفتن «... کف تالار، ... سراسر با قالی مفروش شده بود. این مکان نیز جز قالی‌هایی نظیر آنچه در بقیه تالار گسترده بودند و دیگران باید بر آن‌ها می‌نشستند... در فضای خالی بین آب نمای فواره‌ای که از آن سخن گفتیم و دیوار به‌استثنای قسمتی که در آن قالی گسترده بودند و محل نشستن مهمانان بود...» (همان، ۳۳۲). در مسیر بازگشت سفیر در قصر سلطنتی اصفهان به دستور شاه حاضر می‌شود.
«پس از عبور از یک باغ بزرگ و چند اتاق به سالن بزرگی رسیدیم که زمین آن با فرش پوشیده شده بود...» (یان اسمیت ۱۳۶۵، ۷۹). (ضیافت عمومی و دیدن شاه- اصفهان) «پادشاه در گوشه سالن به روی فرش نشسته بود... من و همراهانم به جلو رفتیم، من به علامت بوسیدن دست شاه خم شدم و همراهانم حاشیه قالی نشیمن او را به علامت بوسیدن پایش بوسیدند» (همان، ۷۹).
«در سکنان مورد پذیرایی دوستانه میزبان خود قرار گرفتیم و آن‌ها ما را در اتاق‌هایی با قالی‌های زیبا مفروش بود جای دادند» (اولناریوس ۱۳۶۳، ۱۴۴). «غلام‌بچگان و سایر اعضای عادی کمیته بیرون از این محدوده ... روی قالی نشستند» (همان، ۱۹۷). رسیدن به خدمت شاه در کمیته سفیران اصفهان «... بقیه همراهان و اعضای سفارت در خارج تالار... روی فرش نشستند» (همو ۱۳۶۹، ۵۵۱) دیدار با شاه در اصفهان در تالاری که شاه نشسته و به امور کشور رسیدگی می‌کند و به آن دیوان‌خانه نیز می‌گویند. «... هرات بعد از مشهد بزرگ‌ترین و زیباترین شهر خراسان به شمار می‌رود و در آن فرش‌های عالی می‌بافند...» (همان، ۵۸۹). در وصف شهر خراسان «قالی‌هایی که روی آن می‌نشینند بسیار گران‌بهاست...» (سانسون ۱۳۷۷، ۵۴). غذا خوردن شاه، عهد شاه سلیمان صفوی
«پس از یک ساعت سواری ما به مقصد رسیدیم و در آنجا در مدخل باغی ما را در تالاری جا می‌دادند. از ما چهار نفر که قرار بود با شاه غذا بخوریم دعوت شد که روی قالی بنشینیم» (کمپفر ۱۳۵۰، ۲۴۸). دیدار هیئت سوئدی و شاه اصفهان «بین این قسمت و پنجره‌های مشرف به باغ گروهی نوازنده روی فرش نشسته بودند...» (کارری ۱۳۴۸، ۱۲۰). اصفهان، عالی‌قاو، دیدار شاه تالار مهماندار
«همراهان من ... ابتدا نسبت به شاه ادای احترام نموده و سپس پشت‌سر بزرگان دربار بر روی فرش بر زمین نشسته بودند» (اوبن ۲۵۳۷ شاهنشاهی، ۵۶). دربار شاه سلطان حسین صفوی ملاقات با شاه و اجرای مراسم و تشریفات مهمانان «... اولین هدیه متعلق به صدر اعظم شامل پنج اسب بود، سپس هدیه ناظر که سر اسب و دو شتر حامل قالی ...» (همان، ۶۹). دربار شاه سلطان حسین صفوی روز اول سال جدید اهدای هدیه به شاه ایران
«آن روز ... مسیر حرکت شاه... با قالی‌های نفیس مفروش می‌گردد... در و پنجره خانه‌های اعیان شهر نیز که می‌خواستند قدم پادشاه خود را گرمی بدارند، با قالیچه‌های گران‌بها آذین‌بندی می‌گردد» (گرس ۱۳۷۰، ۲۱۸). اصفهان مقدمات پذیرایی از شاه، اصفهان شاه سلطان حسین صفوی

۷. شناسایی محل بازدید فرش بر اساس متن سیاحت‌نامه‌ها

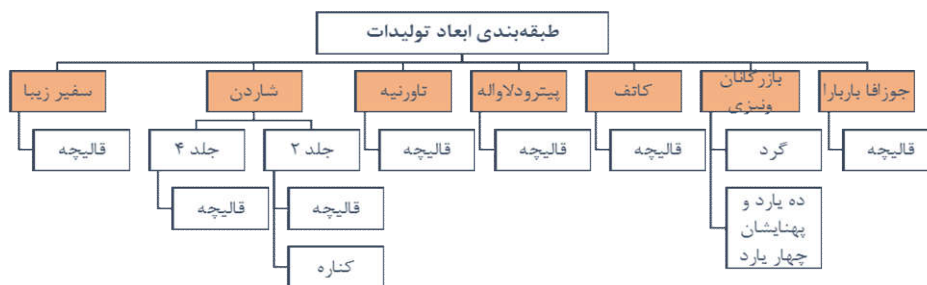
مطالعه متون دوره صفویه نشان می‌دهد که مفاهیم زیادی درباره رونق فرش‌بافی در این دوره در شهرها و روستاها وجود دارد. در این دوره فرش‌ها معمولاً در کارگاه‌های قصر شاهی و دستگاه‌های شهری و روستایی بافته می‌شدند. جوزافا باربارا به بافت قالی دو شهر طسوج و شبستر این‌گونه اشاره کرده است: «سراتجام به دو شهر طسوج و شبستر می‌رسیم... مردم عموماً سرگرم قماش و جامه‌های نخی و قلاب‌دوزی و بافتن قالیچه‌اند و اندکی نیز پارچه‌های ابریشمین می‌بافند» (باربارا ۱۳۴۹، ۹۵). کارگاه‌های قالی‌بافی نیز از جمله مواردی هستند که در سفرنامه‌های سیاحان از آن‌ها سخن به میان آمده است. در این میان کرمان، سیستان، کاشان و اصفهان از جمله کارگاه‌هایی بوده‌اند که به آن‌ها اشاراتی شده است. «مهم‌ترین و بهترین کارگاه‌های قالی‌بافی ایران در کرمان و مخصوصاً در سیستان است...» (شاردن ۱۳۷۴، ۸۹۶). «شهر کاشان... همواره مورد توجه پادشاهان ایرانی بوده است... مرکز تولید پارچه‌های ابریشمی و به‌خصوص قالی‌های بسیار ظریف و مرغوبی است... بی‌هیچ تردید، قالی‌هایی که در شهر کاشان و دیه‌های [روستاها] اطراف آن بافته می‌شود، و همچنین قالی‌های اصفهان، بهترین نوع این کالا در سراسر مشرق‌زمین است» (سیلوا فیگوئندرا ۱۳۶۳، ۲۴۶)

جدول ۳: جغرافیای بافت قالی یا محل بازدید قالی بر اساس متن سفرنامه‌ها (پژوهشگر)

عنوان سفرنامه	محل بافت یا محل بازدید قالی	عنوان سفرنامه	محل بافت یا محل بازدید قالی
آمبرسیو کنتارینی	اصفهان	ترجمه احمد بهپور	کردستان، اردبیل (بقعه شیخ صفی)، سنکان
		آدام اولناریوس	اصفهان، شماخی، نیشابور
		سرزمین تزارهای مخوف	
جوزافا باربارا	تبریز، طسوج و شبستر	جلد دوم	قم (حرم حضرت معصومه، مزار شاه صفی، مقبره شاه‌عباس ۲) کرمان، سیستان و بلوچستان
		شاردن	آسپاس (مقبره سلطان سعید بادر شاه اسماعیل) اصفهان
		جلد چهارم	
شرلی	قزوین، اصفهان، شیراز	آندره دولیه دلند	اصفهان
دین گارسیا	بندر و لار، شیراز، کرمان، اصفهان، کاشان، قم	سانسون	اصفهان
پیتر و دلاواله	کردستان، فرح‌آباد، اردبیل (مسجد شیخ صفی)	کمپفر	اصفهان، کرمان
کاتف	اصفهان	کارری	ایروان، تبریز، اصفهان (میدان نقش جهان، مسجد شاه، عالی‌قاپو)، اردبیل، چلفا
استودارت	مازندران (فرح‌آباد)، شیراز (دهنیان)	سفیر کشور پرتغال	اصفهان
یان اسمیت	اصفهان	سفیر زیبا	اصفهان
تاورنیه	اصفهان	کروسینسکی	قم

۸. ابعاد و اندازه بافته‌ها از جامعه آماری تحقیق

یکی دیگر از موارد مورد هدف در این پژوهش، بررسی ابعاد بافته‌ها از سفرنامه‌های سیاحان اروپایی دوره صفویه است. از این رو طی مطالعات صورت‌پذیرفته اطلاعات حاصل مطابق تصویر (۳) آورده شده است.



تصویر ۳: طبقه‌بندی ابعاد تولیدات بر مبنای مستندات سفرنامه‌های جامعه آماری تحقیق (پژوهشگر)

در ادامه با توجه به اسناد و متن‌های سفرنامه‌نویسان به‌رغم اینکه تولید و بافت فرش‌های بزرگ پارچه نیز رواج داشته، بیشترین ابعاد اشاره‌شده در این متن‌ها مربوط به قالیچه است که به‌ترتیب در سفرنامه‌های جوزافا باربارا، کاتف، پیترودلاواله، شاردن در جلد دوم و چهارم و نیز سفیر زیبا اشاره شده است. اما در سایر موارد مانند بافته‌های موجود در باربارا، سیاحان به بزرگی و عظمت آن‌ها اشاره کرده‌اند ولی ابعاد مشخصی در این باره ذکر نشده است. از این رو نمی‌توان به این مسئله استناد کرد که صرفاً ابعاد بافته‌ها در این دوره منحصر به قالیچه بوده است و نکته مهم اینکه به نظر می‌رسد استناد نویسندگان بر اساس اطلاعات رایج بازار بوده و ابعاد دقیق‌تر و مشخص‌تر بیان نشده است و منظور از قالیچه در متن سفرنامه‌ها، قالی با مساحت حداکثر سه‌متری بوده که این ابعاد نیز در برخی از مناطق با سنت بافندگی و بازار، همخوانی بیشتری دارد. در این میان سفرنامه بازرگانان ونیزی به ابعاد فرش گرد و فرش‌هایی با ابعاد بزرگ که مشخصات طول و عرض آن‌ها داده شده است، مطالبی را ارائه کرده‌اند.

«بر کف تالار فرش باشکوهی گسترده‌اند... این فرش گرد است و درست به‌اندازه کف تالار و اتاق‌های دیگر نیز مفروش است» (بازرگانان ونیزی در ایران ۱۳۴۹، ۳۸۹). در وصف کاخ سلطنتی که حسن بیگ بیرون از شهر تبریز است.

«این بیمارستان یا مارستان... بسیاری تالارهای بزرگ دارد که درازای هر کدام ده یارد و پهنایشان چهار یارد است و هر کدام را با فرشی که درست به‌اندازه اوست مفروش کرده‌اند» (همان، ۳۸۹). در وصف کاخ سلطنتی که حسن بیگ بیرون از شهر تبریز است.

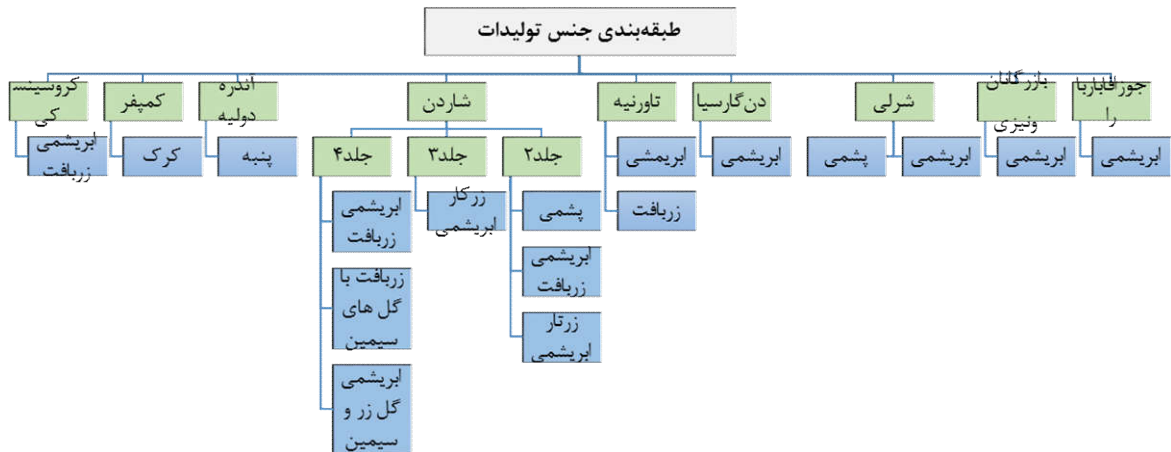


۹. جنس بافته‌ها از جامعه آماری تحقیق

تولید بافته‌هایی با جنس زرتار، زربافت، زر و سیمین، ابریشمی، پشمی، پنبه‌ای و کرک از جمله موارد ذکرشده در سفرنامه‌های این دوره است. درباره جنس بافته‌های ابریشمی در سفرنامه‌های سیاحانی مانند جوزافا باربارا، بازرگانان ونیزی، شرلی، دن گارسیا، تاورنیه، شاردن، کمپفر و کروسینسکی نیز مطالبی آمده است. حتی در سفرنامه کمپفر نیز به کارگاه‌های تولید فرش‌های زر و سیم در این دوره اشاره شده است. اما نکات مهم طی بررسی‌های صورت‌پذیرفته در خصوص جنس بافته‌ها از سوی سیاحان، یکی اشاره به واژه قالی و دیگری فرش است که هر دو نیز به یک مفهوم بوده و دیگری به جنس زرتار، زربافت و زر و سیم در بافته‌های ابریشمی اشاره دارد. در این خصوص نیز شاردن در جلد چهارم سفرنامه خود به طرز عمل رشتن و تابیدن نخ پارچه‌های معمولی و زربفت و ابریشمین و نخ مخصوص بافتن قالی در کارخانه‌های شاهی اشاره داشته است (شاردن ۱۳۷۴، ۱۴۲۰). شایان ذکر است که اشاره به بافته‌های ابریشمی در سفرنامه‌های سیاحان، در دوره‌های پادشاهی شاه‌عباس بزرگ، شاه‌صفی، شاه‌عباس دوم، شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان‌حسین نیز آمده است. در این خصوص حاجی‌زاده درباره استفاده از بافته‌های ابریشمی مرتبط با دوره‌های پادشاهی صفوی بیان کرده است که «فرش‌های ابریشمی غنی‌شده با تارهای نقره یا نقره‌مطلا (گلابتون) با ظرافت و کیفیتی کم‌نظیر در بافت، به تعداد زیاد در دوره سلطنت شاه‌عباس اول تولید می‌شد که شامل قالی‌ها و گلیم‌های زربفت است. این فرش‌ها نمایانگر ثروت فزاینده کشور و سخاوت و تفاخر دربار صفوی است» (حاجی‌زاده، خسروی، و مهرروز ۱۳۹۴، ۸۶).

درباره سایر تولیدات، از جمله قالی‌های پشمی و کرک به‌ترتیب در سفرنامه‌های شرلی و کمپفر نیز مطالبی آمده است. در خصوص استفاده از این الیاف در بافته‌ها لازم است بیان شود مانند الیاف ابریشمی برای بافته‌های باارزش بوده‌اند. چنان‌که کمپفر درباره بافته‌ای که در آن از الیاف کرک استفاده شده آورده است و البته از معدود متن‌هایی است که به طرح و نقش هم اشاره دارد: «من بهترین زینت تالار پذیرایی را فرش ذکر می‌کنم. هر سه صفت را با وفور تمام با قالی‌هایی که دارای نقش حیوان است و آن‌ها را از بهترین کرک‌ها بافته‌اند، فرش کرده‌اند» (کمپفر ۱۳۵۰، ۲۵). همچنین درباره هدیه ارزشمند شاه به مهمانان خارجی شرلی بیان کرده است: «چهار تخته از این قالی‌های ابریشم و زردوزی بود و شش

تخته دیگر از ابریشم خالص و مابقی قالی‌های بسیار قشنگ پشمی بود» (شرلی ۱۳۷۸، ۵۷). در ادامه نیز استفاده از فرش‌های پنبه‌ای در سبک زندگی ایرانیان مطلبی است که آندره دولیه به آن اشاره کرده و یادآور این نکته است که استفاده از بافته‌هایی با الیاف معمولی در خارج از زندگی درباری میان مردم معمول بوده است.



تصویر ۴: طبقه‌بندی جنس تولیدات بر مبنای مستندات سفرنامه‌های جامعه آماری تحقیق (پژوهشگر)

۱۰. موضوع قالی در بازدید از مکان‌های مقدس و متبرکه و مقبره‌های پادشاهان صفوی

بخشی از اطلاعات به‌دست‌آمده از بررسی متن‌ها نشان می‌دهد که قالی‌ها در اماکن متبرکه کارکرد زیاد داشته و تا آنجا که مورد توجه سیاحان قرار گرفته و نیز در این دوره به‌دلیل تثبیت مذهب تشیع، دفن پادشاهان در جوار اماکن مقدس مذهبی و زیارتی از علاقه‌مندی ایرانیان مطرح شده است. توجه سیاحان به سنن مذهبی و دینی از جمله دفن پادشاهان صفویه در اماکن مذهبی از مواردی بوده که بدان توجه شده است. نکته قابل توجه حضور بافته‌های ارزشمند در این اماکن بوده است.

شاردن در سفرنامه خود با مشاهده قالی در حرم حضرت معصومه (س) در شهر قم می‌نویسد: «کف بارگاه با قالی‌هایی پشمین خوش‌بافت و گران‌بها فرش شده، اما روزهای عید روی آن‌ها قالی‌های ابریشمین زربفت می‌گسترانند» (شاردن ۱۳۷۴، ۵۲۵). پیترو دلاواله در خصوص مسجد آرامگاه شیخ صفی در اردبیل بیان کرده است: «... زمین حجره‌ها را نیز با قالی پوشانده و روی آن‌ها شمعدان‌های بزرگی با شمع و جای مومی بسیار بلندی قرار داده‌اند...» (دلاواله ۱۳۸۱، ۲۹۸). شاردن و کارری نیز بیان کرده‌اند: «در جانب مغرب، در یکی از تالارهای زیر گنبد موسوم به گنبد معلق صندوقخانه‌هایی است که در آن‌ها کتاب‌ها، چراغ‌ها، قالی‌ها، و دیگر اثاثیه متعلق به مسجد حفاظت می‌شود» (شاردن ۱۳۷۴، ۱۵۱۳). منظور مسجد جامع اصفهان و «این مسجد برعکس مساجد ترک چراغ‌های سقفی متعدد ندارد ولی در عوض با فرش‌های نفیس مفروش است» (کارری ۱۳۴۸، ۱۱۰). متن در خصوص مسجد امام اصفهان است. از دیگر موارد می‌توان به هدیه اشرف افغان به مسجدی در شهر قم که قرار بود جنازه‌های شاهزادگان صفوی در آن مدفون شود، نیز اشاره کرد: «... او به مسجدی که قرار بود جنازه‌ها در محوطه آن مدفون شوند، فرش‌های ابریشمی زربفتی را هدیه کرد...» (کروسینسکی ۱۳۹۲، ۹۴-۹۵).

آدام اولتاریوس با مشاهده قالی‌ها در مقبره شیخ صفی شهر اردبیل این‌گونه بیان کرده است: «مقبره در زیر گنبد ساختمان نسبتاً بزرگی قرار داشت که روی در مدخل آن را با یک ورقه کلفت نقره پوشانده بودند... درگاهی جلوی در با قالی مفروش بود. از اینجا ما را به دالانی دراز که با قالی‌های زیبا مفروش بود هدایت کردند» (اولتاریوس ۱۳۶۳، ۱۲۷).

شاردن نیز به استفاده از بافته‌ها در حرم حضرت معصومه (س) گفته است: «سطح مخازن، دالان‌ها و بارگاه همه پوشیده از قالی‌های زیبا و گران‌بهاست. اما در آرامگاه، قالی‌های زرتار ابریشمینی گسترده شده است» (شاردن ۱۳۷۴، ۵۲۶). همچنین شاردن به مقبره شاه‌عباس دوم در قم این‌گونه اشاره داشته است: «گران‌بهارترین روپوش مرقد با منگوله‌های زرین روی مقبره تعبیه شده، و پایین روپوش بزرگ نوارهای ابریشمین

زیبایی دارد که از حلقه‌های زرین توپیر متصل به قالی می‌گذارند...» (همان، ۵۲۹). مقبره سلطان سعید احمد برادر شاه اسماعیل در آسپاس^{۱۰} از جمله مقابری بوده است که شاردن به استفاده از بافته‌ها در آن اشاره داشته است: «مقبره سه پا از سطح زمین ارتفاع دارد. رویش با مخمل سبزرنگی پوشیده و کف آن با قالی‌های خوب فرش شده است» (همان، ۱۳۷۵). در خصوص استفاده از فرش‌های گران‌بها در مقبره شاه‌عباس کارری آورده است: «در دورتادور مقبره شاه‌عباس خانه‌های کوچکی تعبیه کرده و در آن‌ها اشیاء گران‌بها و نفیسی قرار داده‌اند، کف مقبره نیز فرش گران‌قیمتی دارد» (کارری ۱۳۴۸، ۵۶).

تاورنیه دربارهٔ تزئین کلیساهای آرامنه همانند مساجد در اصفهان با قالی بیان کرده است: «اکنون برای آراستن محراب و جایگاه سرودخوانان از هیچ زبوری فروگذار نمی‌کنند و همه جا قالی‌های زیبا گسترده است» (تاورنیه ۱۳۸۳، ۱۰۸). همچنین آدام اولتاریوس در مشاهدهٔ قالی در کلیسای در جلفای اصفهان این نکته را خاطرنشان کرده است که «کلیسا را با نقاشی‌های عالی و زیبا آراسته و کف آن را با قالی فرش کرده بودند» (اولتاریوس ۱۳۶۳، ۲۰۴). کارری نیز در شرح کلیسای سن ژورژ ایروان به کاربرد قالی برای پوشش کف این‌گونه پرداخته است: «از سه در به اندرون کلیسا می‌توان وارد شد، کف کلیسا با قالی‌های زیبا مفروش شده است» (کارری ۱۳۴۸، ۵). همچنین در سفرنامهٔ وی به شرح حضور فرش‌های گران‌بها در کلیسای جلفای اصفهان این‌گونه اشاره شده است: «کلیسا فقط یک محراب داشت... و تمام کف کلیسا را فرش‌های گران‌بهای مفروشی می‌ساخت» (همان، ۱۰۱).

۱۱. کارکردهای غیر هنری فرش دورهٔ صفوی (مراسمات سیاسی، روابط تجاری)

بررسی‌های متون سفرنامه‌ها نشان می‌دهد که قالی ایرانی علاوه بر اینکه مورد توجه سیاحان از منظر هنری و زیبایی قرار گرفته، در جایگاه‌های دیگر و در کارکردهای غیرهنری نیز عملکرد داشته است. به‌شکل کلی می‌توان عنوان کرد که قالی ایران در عصر صفوی در کنار مفاهیم و مراسم‌های سیاسی و دیپلماتیک و نظامی، تجاری، فرهنگی و اجتماعی نیز بیان شده است. به همین دلیل سعی بر آن است تا بتوان اهمیت بافته‌های این دوره را به‌عنوان یک هنر - صنعت ملی از لحاظ کارکردهای موازی مورد بررسی قرار داد. در این خصوص، مطالب دست‌بافته‌ها از سفرنامه‌های سیاحان دورهٔ صفویه متناسب با دستاوردهای این حکومت که در قسمت پیش گفته شد، در قالب سه محور اماکن سیاسی و نظامی، تجاری، فرهنگی و اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱۲. مکان‌های رسمی و درباری

از آنجا که دربار پادشاهی به‌عنوان مهم‌ترین محل دیدارهای سیاسی مطرح می‌شده است در بیشتر موارد، سیاحان به حضور بافته‌های ارزشمند در فضای ملاقات با شاه ایران اشاره داشته‌اند. حضور دست‌بافته‌ها در سایر موارد دربار از جمله مراسم‌های مهم حکومتی مانند تاج‌گذاری و جشن‌ها نیز از موارد مشهودی در نظر سیاحان بوده که به آن‌ها اشاره می‌شود. در مورد به تخت نشستن شاه سلیمان، شاردن آورده است: «سراسر جدار داخلی پوش را با قالی‌های گران‌بها و پارچه‌های زربفت همانند آستر پوشانده بودند، و در قسمت پایین چادر قالی بزرگ... گسترده بودند...» (شاردن ۱۳۷۴، ۷۹۲). جوزا‌فا باربارا به حضور فرش در جشن‌های درباری نیز این‌گونه داشته است: «در این محل غرفه‌های فراوان برپا کرده بودند... این غرفه‌ها از داخل دارای اتاق بود و بام آن‌ها را به رنگ‌های گوناگون ساخته و کفشان را با زیباترین فرش‌ها پوشانده بودند» (باربارا ۱۳۴۹، ۷۱). دلاواله به ارزش فرش‌ها حتی در میدان نبرد اشاره می‌کند: «حتی در جنگ نیز سربازان اثاث خانهٔ خود را به همراه می‌برند و همان راحتی خانه را دارند؛ یعنی همین بس که با خود قالی و وسایل آشپزخانه و تشک و لحاف و امثالهم داشته باشند» (دلاواله ۱۳۸۱، ۱۷۰).

۱۳. موضوع‌های تجاری

از جمله عوامل مهم در ایجاد تحولات فرش‌بافی دورهٔ صفویه توجه آن‌ها به استفاده از بافته‌ها در مناسبات تجاری و گسترش این هنر به‌عنوان یکی از کالاهای مهم و تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر، علاقهٔ شخصی شاهان صفوی (به‌خصوص شاه‌عباس) به مقولهٔ تجارت و بازرگانی و همچنین حمایت بی‌دریغ آن‌ها از کارگزاران تجارت، خود مزید بر علت شد تا این تحولات و رویه‌ها از سیاست‌های جدایی‌ناپذیر و اساسی دولتمردان صفوی به حساب آید. در دورهٔ صفویان با شکست دادن ازبکان و فتح هرات و قندهار و حاکمیت بر سواحل جنوبی ایران از طریق

چیرگی بر جزایر هرمز و کیش، زیرساخت‌های توسعه اقتصادی و تجاری ایران ساخته شد و رویکردهای تجاری و انحصارگرایی در کالاهایی مانند ابریشم، موجب تقویت وضعیت راهبردی ایران شد. همین سیاست در بین پادشاهان موجب تقویت زیرساخت تجاری در شهرهایی شد که تولیدکننده مواد اولیه مصرفی نساجی و فرش بودند و کارگاه‌های بافت تولیدات سلطنتی توسعه یافتند (تقوی ۱۳۸۸، ۵۷). از همین رو در این دوره ساخت کارخانه و کارگاه‌های فرش بافی سلطنتی از جمله اقداماتی سازنده در امور اقتصادی کشور به حساب می‌آمده است. در این باره تاورنیه با مشاهده کارخانه‌های شاهی بیان نموده «کارخانه، محل دستگاه‌های بافندگی سلطنتی است که در آن قالی‌های زربفت و نقره‌بافت زیبای ابریشمی و پشمی و انواع مختلف مخمل و تافته را می‌بافند» (تاورنیه ۱۳۸۳، ۲۵۰) و شاردن در سفرنامه خود به کمپانی هند شرقی که شروع کارش از بمبئی و کلکته در هند بود، اشاره کرده است: «شعبه این کمپانی [واقع در اصفهان] در سال ۱۶۲۳ در ایران دایر شد، اما چندین سال تجارت آن منحصر با شاه ایران بود، بدین گونه که کمپانی آنچه را به سفارش خود آورده بود به انبارهای شاه تحویل می‌داد، جای آن کالاهایی از قبیل پشم، قالی، ابریشم و پارچه‌های زربفت می‌گرفت» (شاردن ۱۳۷۴، ۶۱۲) و نیز ایجاد بسترهای اقتصادی با بافته‌های نفیس از سوی دربار صفوی، موجب ایجاد تحولات و تأثیرات فزاینده‌ای بر تجارت فرش بافی شد؛ به گونه‌ای که شاردن به صادرات قالی از سوی شاه در سفرنامه خود اشاره داشته است: «از جمله شاه ایران ابریشم، پارچه‌های زربفت و سیمین تار و دیگر منسوجات گران‌بها و نفیس و قالی و جواهر به خارج صادر می‌کند» (همان، ۱۸۹۹).

۱۴. نتیجه‌گیری

بررسی‌های متن سفرنامه‌ها نشان می‌دهد که هنر قالی بافی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آثار تمدنی ایرانیان در دوره صفوی در نظر سیاحان غربی بوده است. تعدد مسافرت به ایران در این دوره موجب می‌شود که نویسندگان غربی با تولیدات هنری و فرهنگی و اقتصادی ایرانیان آشنا شوند. در این میان قالی ایرانی در نوشته‌های تمامی این سفرنامه‌نویسان وجود دارد که نشانه مهم بودن این محصول در نظر غربی‌هاست؛ ولی نحوه توصیفات قالی در نوشتارها نشان می‌دهد که نویسندگان غربی آشنایی فنی و تخصصی با فرش نداشته و صرفاً به بیان کلیات پرداخته‌اند و موضوعات مهمی مانند مباحث مربوط به طرح، نقش، رنگ و جنبه‌های زیباشناختی و هنری و بصری نادیده انگاشته شده و به شکل عمده، خود قالی را در کنار دیگر مطالب و به‌عنوان موضوع فرعی در کنار موضوع اصلی و در همراه با دیگر مطالب آورده‌اند. در خصوص سؤالات تحقیق می‌توان عنوان کرد که سیاحان در سفرنامه‌های خود به زیراندازهای گره‌دار مانند قالی و گبه و نیز بدون گره مانند حصیر، گلیم و نم اشاره داشته و بیشترین تأکید در خصوص ابعاد نیز به قالیچه بوده است و بافته‌های پشمی و ابریشمی نیز بیشترین نوع بافته‌ها بوده‌اند. نکته مهم اینکه به‌رغم مهم بودن طرح و نقش قالی و جنبه‌های تنوعی در طراحی و رنگ‌بندی، فقط در یک نمونه از سفرنامه‌ها به نقش مایه‌های حیوانی قالی اشاره شده است. به نظر می‌رسد شاید ناآگاهی از طبقه‌بندی و نام‌های طرح‌های قالی ایران تقویت‌کننده این موضوع بوده باشد. در مجموع به‌رغم اینکه فرش به‌عنوان موضوع اصلی بحث در متن‌های سفرنامه‌ها وجود ندارد، به مقوله فرش در کنار توصیفات مرتبط با اماکن، جغرافیای تولید و بافت، و در برخی موارد به جنس مواد اولیه مصرفی پرداخته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در طول دوره صفویه روابط سیاسی و اقتصادی ایران با اروپا از افت‌وخیز بسیاری برخوردار بود. نوع نگاه صفویه به اروپا مبتنی بر ناآگاهی کامل از اوضاع و احوال و سیاست‌های اروپا بوده است؛ حال آنکه نوع نگرش اروپا به ایران مبتنی بر نوعی اخلاق سودجویانه بوده است. اولین و مهم‌ترین هدف، ارتباط تجاری با ایران و جذب فلزات گران‌بهای موجود در ایران و انتقال به اروپا بوده است و در درجه بعد استفاده سیاسی و نظامی از ایران به‌عنوان شریک نظامی در جنگ با عثمانی بوده است (کریمی ۱۳۹۲، ۱۳۲).
۲. در هم بیچاندن (تیدین) و بافتن الیاف پشمی و رشته‌های مختلف سلولزی (گیاهی) رنگارنگ به کمک دست و پا و ابزار ساده برای تهیه شیئی یکپارچه، به‌صورت مسطح یا حجم‌دار را روش بافندگی دستی می‌گویند. این روش بافندگی در زمره ابتدایی‌ترین و قدیمی‌ترین روش‌های بافندگی است زیرا محصول بدون استفاده از دار، ابزار و دستگاه‌های ویژه و تنها به کمک دست و پا تولید می‌شود (نیکویی ۱۳۹۱، ۸۸).
۳. منظور دست‌بافته‌هایی است که بر روی چهارچوب ساده چله‌کشی شده و بر اساس نوع محصول پود (تارپودی) و یا پرز هم دارد (قالی). نوع دیگر دست‌بافته‌ها دستگاهی است مانند جاجیم و زیلو که تکنیک بافت متفاوت دارند و در بین متن سفرنامه‌ها به آن‌ها اشاره نشده است.

۴. «جمع آن انماط است». در مناطق سردسیر جهان اسلام به احتمال فرش و نمد کاربرد گسترده‌تری داشته تا کفپوش‌های سبک‌تر؛ قطعات به‌جامانده از چنین بافته‌هایی، قطعاتی بسیار کوچک می‌باشند» (یارشاطر ۱۳۸۴، ۶۵).
۵. دست‌بافته تارپودی و بدون پرز و با برگ و ساقه و... گیاهی بافته می‌شود. «حصیر از نی‌های درشت و نازک و کنف رنگ‌نشده، در سرتاسر مناطق گرمسیر جهان اسلام بافته می‌شده است» (همان، ۶۳).
۶. دست‌بافته تارپودی و بدون پرز و غالباً با الیاف جانوری مانند پشم بافته می‌شود.
۷. عمدتاً فرش گره‌دار که شمال ساختار تار، پود و پرز است.
۸. واژگان فرش و قالی معادل «Carpet» و «Rug» در اغلب منابع فارسی و لاتین، با عناوین و تعابیر متنوعی به کار گرفته می‌شوند. «اگرچه گلیم، زیلو، جاجیم، پلاس، نمد و... نیز فرش می‌باشند اما اصطلاح فرش معمولاً برای قالی به کار می‌رود» (دانشگر ۱۳۷۲، ۳۸۸). همان‌گونه که اشعاری در مقاله خود بیان نموده است در بسیاری از منابع مکتوب ادبی آن را معمولاً مترادف با اقسام مختلف افکنده‌ی و گستردنی به کار برده‌اند (اشعاری ۱۳۹۳، ۴۹).
۹. منظور بیشتر کارگاه‌های سلطنتی هستند که تحت نظارت کتابخانه سلطنتی دربار اداره می‌شدند.
۱۰. دهستانی در استان فارس.

منابع

۱. استودارت، ج. ۱۳۴۹. سفرنامه استودارت. ترجمه احمد توکلی. تهران: سپهر.
۲. اسمیت، یان. ۱۳۶۵. اولین سفرای ایران و هلند (شرح سفر موسی بیگ سفیر شاه عباس به هلند و سفرنامه یان اسمیت سفیر هلند در ایران). ترجمه ویلم فلور. تهران: طهوری.
۳. اشعاری، محمود، و مهرانگیز مظاهری. ۱۳۹۳. «بررسی گونه‌ها و شیوه‌ها و جغرافیای تولید فرش ایران در پنج قرن اولیه هجری با تکیه بر منابع مکتوب». فصلنامه علمی پژوهشی نگره، ش. ۳۱: ۵۹-۴۷.
۴. افروغ، محمد، و علیرضا نوروزی‌طلب. ۱۳۸۹. «مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی». نامه پژوهش فرهنگی ۱۱ (۱۰): ۴۹-۷.
۵. اعرابی هاشمی، شکوه السادات. ۱۳۷۸. «اصفهان عصر صفوی به روایت سفرنامه‌های اروپائیان». فرهنگ اصفهان: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ش. ۱۱، ۸۳-۷۸.
۶. اوپن، ژان. ۱۳۵۷. سفرنامه گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی. ترجمه پروین حکمت. تهران: دانشگاه تهران.
۷. اولتاریوس، آدام. ۱۳۶۳. سفرنامه آدام التاریوس. ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار.
۸. ———. ۱۳۶۹. سفرنامه آدام اولتاریوس (سرزمین تزارهای مخوف). ترجمه حسین کردبچه. تهران: کتاب برای همه.
۹. باربارو، جوزافا. ۱۳۴۹. سفرنامه‌های ونیزیان در ایران. ترجمه منوچهر امیری. چ ۱. تهران: خوارزمی.
۱۰. پوپ، آرتور. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران، از دوران پیش از تاریخ تا امروز. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۸۳. سفرنامه تاورنیه. ترجمه حمید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.
۱۲. تقوی، عابد. ۱۳۸۸. «بازخوانی تحولات تجاری صنعت فرش در عصر صفوی». گلجام، ش. ۱۲: ۶۸-۵۵.
۱۳. حاجی‌زاده، محمدامین، فرهاد خسروی بیژانم، و عاطفه مهرروز. ۱۳۹۴. «تحلیل فرمی تعدادی از قالی‌های دوره صفوی موسوم به قالی‌های لهستانی (پولونزی)». فصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی، ش. ۶: ۹۷-۸۴.
۱۴. خلیفه، مجتبی. ۱۳۷۹. «ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا: خانه کتاب، ش. ۳۷ و ۳۸: ۱۳۴-۱۲۸.
۱۵. جعفرپور، علی، و مهرداد نوری. ۱۳۸۵. «وضعیت پوشاک زنان در عصر صفوی (با تکیه بر سفرنامه‌نویسان فرنگی)». مسکویه: دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری: ۶۴-۴۹.
۱۶. دالساندری، وینچنتو. ۱۳۶۴. سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه). ترجمه منوچهر امیری. چ ۲. تهران: خوارزمی.
۱۷. دانشگر، احمد. ۱۳۷۲. فرهنگ جامع فرش یادواره (دانشنامه ایران). چ ۱. تهران: اسدی.
۱۸. دلاواله، پیترو. ۱۳۸۱. سفرنامه پیترو دلاواله. ترجمه شجاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۹. دولیه دلدن، آندره. ۲۰۰۵. سفرنامهٔ زیبایی‌های ایران. ترجمهٔ محسن صبا. تهران: انجمن دوستداران کتاب.
۲۰. رضایی‌پناه، امیر، و سمیه شوکتی‌مقرب. ۱۳۹۵. «تحلیل کیفیت بازنمایی مقام سلطنت در گفتمان سفرنامه‌نویسی عصر صفوی». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام ۱۷ (۳): ۱۵۲-۱۲۱.
۲۱. سانسون. ۱۳۷۷. سفرنامهٔ سانسون (وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی). ترجمهٔ محمد مهریار. اصفهان: گلها.
۲۲. سیلوا فیگوئردا، دن گارسیا. ۱۳۶۳. سفرنامهٔ دن گارسیا سیلوا فیگوئردا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول. ترجمهٔ غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
۲۳. سیوری، راجرز. ۱۳۸۵. ایران عصر صفوی. ترجمهٔ کامبیز عزیزی. چ ۱۵. تهران: مرکز.
۲۴. شاردن، ژان. ۱۳۷۲. سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمهٔ آقبال یغمایی. جلدهای ۱-۴. تهران: طوس.
۲۵. شرلی، آنتونی. ۱۳۷۸. سفرنامهٔ برادران شرلی. ترجمهٔ آوانی به‌کوشش علی دهباشی. تهران: به دید.
۲۶. فریه، ردیلو. ۱۳۷۴. دربارهٔ هنرهای ایران. ترجمهٔ پرویز مرزبان. نشر فرزندان روز.
۲۷. کاترینو زنو. ۱۳۴۹. سفرنامه‌های ونیزیان در ایران. ترجمهٔ منوچهر امیری. چ ۱. تهران: خوارزمی.
۲۸. کاتف، فدت آفانس یویچ. ۲۵۳۶. سفرنامهٔ کاتف. ترجمهٔ محمدصادق همایون‌فرد. تهران: کتابخانهٔ ملی ایران.
۲۹. کارری، جملی. ۱۳۴۸. سفرنامهٔ کارری. ترجمهٔ عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
۳۰. کروسینسکی، تادوز بودا. ۱۳۹۲. سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی. بازنویسی جواد طباطبایی. تهران: مینوی خرد.
۳۱. کریمی، علیرضا. ۱۳۹۲. «سیاست در نظر ایرانیان عصر صفوی». مجلهٔ پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش. ۱۲: ۱۲۷-۱۵۲.
۳۲. کمپفر، انگلبرت. ۱۳۵۰. سفرنامهٔ کمپفر. ترجمهٔ کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
۳۳. کنتارینی، آمبرسیو. ۱۳۴۹. سفرنامهٔ آمبرسیو کنتارینی. ترجمهٔ قدرت‌الله روشنی. تهران: سپهر.
۳۴. گرس، ایون. ۱۳۷۰. سفیر زیبا سرگذشت و سفرنامهٔ فرستادهٔ فرانسه در دربار شاه سلطان حسین صفوی. ترجمهٔ علی اصغر سعیدی. تهران: بی‌نا.
۳۵. ماریا آنجوللو، جووان. ۱۳۴۹. سفرنامه‌های ونیزیان در ایران. ترجمهٔ منوچهر امیری. چ ۱. تهران: خوارزمی.
۳۶. موسوی دالینی، جواد، لیدا مودت، سیده طاهره موسی، و سید حسن طباطبایی. ۱۳۹۵. «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعهٔ ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی بررسی موردی: سفرنامهٔ پیترو دلاواله». مطالعات تاریخ فرهنگی ۴ (۲۸): ۱۲۳-۱۵۲.
۳۷. نیکویی، مجید. ۱۳۹۱. آشنایی با صنایع دستی ایران. تهران: چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۳۸. یارشاطر، احسان. ۱۳۸۴. تاریخ و هنر فرش بافی در ایران. ترجمهٔ لعلی خمسه. چ ۱. تهران: نیلوفر.